

کوچه‌های خالی از یادگارهای نادر



عکس: جوانا کردیانی / شهرآر

رضا سلیمان نوری | این روزها نسل جوان مشهد، نشان‌های عهد افشار به‌ویژه نادر شاه در مشهد را تنها با مقبره‌وی و مجموعه باغ نادری می‌شناسد که در تقاطع چهارراه شهدای فعلی و چهارراه نادری قدیم قرار گرفته است. پدران و مادران این نسل،

در کنار مجموعه باغ و مقبره، مسجد نزدیک آن را هم به خاطر می‌آورند که هنوز با نام «مسجد مقبره، معروف است. اما این‌ها تنها یادگارهای منتسب به نادر شاه در مشهد نبوده است. اندکی موسسید کرده

مشهد قدیم جز این سه، از حمام مقبره که جنب مسجد قرار داشته و اکنون پاساژ شده است و کوچه روبه‌روی مقبره هم یاد می‌کنند، کوچه‌ای که اکنون بر اساس شماره‌بندی کوچه‌های راسته بالاخیابان، تابلوی «آیت... شیرازی، یا

«بالاخیابان ۱۰» را بر ورودی خود دارد و در زیرنوشته آن، نام «برادران شهید علاقه‌بند حسینی، - که خود از ساکنان این کوچه بوده‌اند- نقش خورده است. موضوع این شماره کوچه‌گردی، بررسی گذشته

و حال این کوچه است که از عهد نادری تاکنون، داستان‌های بسیار به خود دیده و وقایع تأثیرگذار بسیاری را پشت سر گذاشته است؛ و قایعی که نه تنها بر اوراق تاریخ مشهد که بر ورقی از تاریخ ایران هم نقش بسته‌اند.

کوچه «آیت... شیرازی ۱۰» به روایت تاریخ



باغ خان نایب بر روز نقشه قاجاری مشهد

نقشه‌های باقی‌مانده از عهد قاجار با دقتی تر بگویم نقشه‌های دوران ناصری مشهد، نشان می‌دهند کوچه آیت... شیرازی ۱۰، در آن دوران به درازای امروز نبوده است و بخش درخور توجهی از آن را باغ بزرگی موسوم به «باغ خان نایب، دربر می‌گرفته است، باغی که به مرور زمان با تبدیل زمین‌های سرسبز به خانه‌های بزرگ اعیانی، کوچک و کوچک‌تر می‌شود، آن‌چنان که در دهه نخستین حکومت پهلوی اول، دیگر اثری از آن باقی‌نمی‌ماند.

البته این بازخوانی نقشه‌های قاجاری، با نوشتارهای تاریخی برجای‌مانده از عهد نادری مطابقت ندارد؛ زیرا براساس این نوشته‌ها، بخش اعظم این باغ در اواخر عهد نادری به بناهای مهم دولتی و دیوانی تبدیل شده است، تاجایی‌که مکان نخستین مقبره نادر (به دستور خود وی، قبل از سفر به هند ساخته می‌شود) و همچنین کاخ نخستین او در همین محدوده قرار داشته است.

چرا نشان‌های عصر افشاری در مشهد کم است؟



این مسئله را بیش از هر چیز، باید ناشی از کینه قدیمی قاجارها نسبت به نادر و البته سایر افشاریان دانست؛ کینه‌ای که نشئت‌گرفته از حذف فتحعلی‌خان قاجار توسط نادر -در دوران تلاش شاه افشاری برای یکپارچه کردن مجدد ایران پس از استیلای افغان‌ها بر اصفهان و در نتیجه کل ایران- بوده است. به روایت تاریخ‌نویسان بر همین اساس نیز، فتحعلی‌شاه قاجار در سال‌های نخست حکومت قاجارها بر ایران، دستور می‌دهد سرپاژانش، خاک چهارباغ که محل استقرار بناهای حکومتی خاندان افشاری در مشهد بوده است را به توبه‌ر کنند و این یعنی بناهای افشاری موجود در کوچه اشاره‌شده (آیت... شیرازی ۱۰) نیز قربانی این تخریب شده‌اند؛ زیرا این کوچه در گذشته در بخش غربی چهارباغ قدیم واقع بوده است. باغ بودن بیشتر فضای این محدوده در دوران ناصری (روزگاری که نخستین نقشه‌های مشهد ترسیم شد) نیز به همین دلیل بوده است؛ تبدیل نمادها و نشانه‌های عهد افشار به اراضی قابل کشت از جمله باغ‌های میوه.

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت هفتادوشم)

بزرگراه مشهد-تهران و ارزش و پیشینه تاریخی آن

مرضیه تزاری



اگر یادتان باشد، یک‌بار مفصل توضیح دادم که داشته‌های ما درباره زندگی اجتماعی مردم ایران در دوره قاجار، به دلیل تعداد زیاد سفرنامه‌ها،

امیدوارکننده است و همچنین تأکید کردم که در گزارش‌های سیاحان خارجی، به‌دلایلی از جمله طرح‌های استعماری، دقت و جزئیات بیشتری نسبت به نمونه‌های مشابه داخلی مشاهده می‌شود. یکی از جنبه‌های بسیار مهم و خواندنی درباره تاریخ مشهد، جریان آمدورفت زائران و مسافرانی است که از نقاط مختلف دنیا، برای زیارت یا سیاحت شهر ما، به خراسان سفر می‌کردند. بدیهی بود که جاری شدن سیل زائران و مسافران به‌سوی مشهد، اسباب ایجاد مسیرهای دائمی را فراهم می‌آورد، مسیرهایی که به‌دلیل عبور و مرور همیشگی، استانداردهای لازم دوران خودش را برای میزبانی از مسافران دارا بود، البته امروز با توجه به سرعت زیاد وسایل حمل‌ونقل، دیگر مکان‌های اقامت موقت و

استراحت مسافران و زائران، مانند کاروان‌سراها و ... چندان موضوعیت ندارد، اما در دوره‌های تاریخی قبل مانند دوره قاجار، چنین نبود و برای زائران و مسافران، وجود مکان‌های امن در مسیر تردد به‌سوی مشهد، برای استراحت، تجدید قوا و احیاناً تهیه آذوقه، امری حیاتی محسوب می‌شد. این بود که برخی شهرها و روستاهای بین راه به‌ویژه در مسیر تهران به مشهد، به‌تدریج بافت و ساختار میزبانی از مسافران و زائران را پیدا کرد و البته جایگاه آن‌ها، محل توجه‌سفرنامه‌نویسان ایرانی و خارجی قرار گرفت.

از پایتخت به مشهد گفتیم که یکی از مسیرهای مهم تردد زائر و مسافر به شهر مشهد، جاده تهران بود که به غرب مشهد متصل می‌شد و مسافران معمولاً از دروازه بالاخیابان و در مواقعی دروازه ارگ، وارد شهر می‌شدند. تهران در دوره قاجار، به‌دلیل انتخاب شدن به‌عنوان پایتخت ایران، موقعیت سیاسی و اقتصادی مهمی داشت. جمعیت فراوان تهران، این شهر را به یکی از مبداهای مهم مسافر و زائر به مقصد مشهد تبدیل کرد و به‌تدریج،

چرا در کوچه طاهر، همه فرعی‌ها در سمت شرقی قرار دارد؟ قرار گرفتن تمام فرعی‌های کوچه طاهر در یک‌سوی کوچه نیز دلیلی داشته است که برای آشنایی بیشتر، بهتر است بدانید ابتدا اینکه، سمت شرقی کوچه از همان سال‌های نخست تکمیل آن، به چند پلاک بزرگ مقیاس اختصاص پیدا می‌کند. نخستین این پلاک‌ها که در ابتدای کوچه هم قرار داشته، بقایای باغ فلاحیت بوده که به‌عنوان دارالتولیه یا مرکز اداری آستان قدس استفاده می‌شده است. دیگر پلاک بزرگ این سوی کوچه هم به خاندان نصیرزاده اختصاص داشته است و ناگفته‌نماند که نصیرزاده همان خاندانی است که چندین دهه، مالک چهارطبقه معروف مشهد بودند و معروف‌ترین کافه مشهد یعنی داش‌آقا هم در تیمچه متعلق به آن‌ها در محدوده خیابان ارگ، ساخته شده بود، البته این پلاک، چندین سال هم در اختیار کنسولگری روسیه بوده است.

کشف سکه‌های تاریخی در هنگام ساخت مدرسه

وضعیت کنونی کوچه هم تفاوت چندانی با سال‌های پایانی دوران حکومت پهلوی‌ها از منظر ساختاری ندارد. بزرگ‌ترین اختلاف کوچه کنونی با آن دوران، تغییر کاربری برخی پلاک‌های مهم آن است، امروز سرتاسر سمت چپ (سمت شرقی کوچه) را تنها چهار پلاک به خود اختصاص داده‌اند. نخستین پلاک هنوز همان دارالتولیه یا ساختمان اداری آستان قدس رضوی است که البته از این سمت، هیچ ورودی ندارد و تنها نمای دیوار بلند آن، نصیب رهگذران کوچه شده است.



اما وضعیت پلاک دوم این بخش از کوچه، زمین تا آسمان با دوران پهلوی‌ها فرق کرده است. دیگر خبری از خانه باغ بزرگ «نصیرزاده، نیست و جای آن را نمای دیواری آجرچین‌شده‌ای به خود اختصاص داده است که در بخشی از آن، یک برج مدور آجری قرار دارد و کمی جلوتر، گنبدی فیروزه‌ای و دو گلدسته آجری خودنمایی می‌کند؛ اینجا مجموعه مدرسه علوم دینی «آیت... سیدابوالقاسم خویی، است. به روایت اسناد، دستور ساخت این مجموعه را خود وی داده و بخشی از هزینه ساخت را نیز از طریق وجوه پرداخت شده توسط شیعیان تقبل کرده است.

تأمین بخش دیگر هزینه‌های مجموعه اما داستانی شنیدنی دارد. جالب است بدانید ساخت این بنا در اوایل دهه ۷۰ خورشیدی در حالی آغاز شد که اندکی پس از آن، خبری درباره کشف گنجینه‌ای از سکه‌های تاریخی در جریان حفاری زمین مدرسه، محل توجه قرار گرفت، گنجینه‌ای که متولیان ساخت بنا، آن را در اختیار مسئولان مربوط وقت قرار دادند و مسئولان هم برابر قانون، مبلغی را به‌عنوان حق الکشف به بائینا ساخت مجموعه هدیه دادند و آنان نیز این پول را در مدرسه خرج کردند. فضای زیر گنبد مدرسه آیت... خویی اکنون یکی از بزرگ‌ترین

شاهرواد؛ بارانداز مسافران مشهد

شاید تصور کنید جمعیت زائران آن زمان، محدود بود و کسانی که به محل این تاریخی‌ها می‌رسیدند، و قصد استراحت داشتند، در یک زمان واحد، تعداد زیادی را شامل نمی‌شدند. اما گزارش‌های موجود، حرف دیگری می‌زند، «نیوکلی خانیکوف»، مأمور سیاسی و امنیتی روسیه تزاری که درباره او قبلاً به‌طور مفصل صحبت کردیم، در سفرنامه‌اش می‌نویسد: «وقتی به دهکده بدشت، میعادگاه دائمی کاروان‌های عازم مشهد، واقع در دوفرستگ‌های مشهد رسیدیم، در آنجا باران‌دوی بزرگی از زائران و بیش از ۴ هزار چهارپای، مُرگ، از اسب و قاطر و شتر روبه‌رو شدیم. کاروان حالت یک موزه زنده قوم‌شناسی را داشت؛ عرب‌های بیابان‌های بصره و بغداد، افرادی از تمامی ایالات ایران، ترک‌های دربند، شیروان (منظور شروان در قفقاز است)، آذربایجان، افغان‌ها، مسلمانان هند، ساکنان خجند، کاشغر، تاشکند، بخارا و هرات، جمعیت این زائران در سال‌های فراوانی و استقرار امنیت، گاه از مرز ۱۰۰ هزار نفر نیز گذشت. اما در بیشتر سال‌ها، بین ۵۰ تا ۶۰ هزار نفر بود، البته این آمار مربوط به سال ۱۲۵۱ خورشیدی است. اگر گزارش خانیکوف درباره تعداد چهارپایان را دقیق بدانیم، باید در هر تجمع زائران امام‌رضا^۲ برای حرکت به‌سوی مشهد، در نزدیکی شاهرو، چیزی بین ۸ تا ۷ هزار نفر حضور می‌داشتند. این افراد در دسته‌های پرتعداد و گاه هزارنفره، به‌مسیر خود تا مشهد ادامه می‌دادند. جمعیت زائران در این جاده، بعد



شماره ۱۳۳
۱۶ خرداد ۱۴۰۲
شماره ۳۱۵۵

SHAHRAKNEWS.IR



تاریخ و هویت

کتابخانه‌های اسلامی کشور محسوب می‌شود. ناگفته‌نماند که دو پلاک دیگر باقی‌مانده در این کوچه هم که در جانب شرقی قرار دارند، اکنون تبدیل به پارکینگ شده‌اند.

قدم‌زدن در جنب غربی کوچه شهیدان علاقه‌بند حسینی



جانب غربی کوچه کم از داستان ندارد. نخستین پلاک این بخش به برجی بلند اختصاص دارد که روزگاری قرار بوده است یک هتل پنج‌ستاره شود اما رعایت نکردن حریم درجه ۲ اثر ثبت ملی باغ نادری، باعث نیمه‌کاره ماندن آن شده است. پس از این پلاک تا ابتدای «علاقه‌بند حسینی یک، مجموعه اقامتی و دو مغازه لوازم تحریر قرار دارد که از منظر مالکیت یگانه هستند.

کوچه علاقه‌بند حسینی یک، این روزها بن‌بستی است که در انتهای آن، پلاک نیمه‌مخروبه خاندان منصور قرار دارد و اکنون در اختیار یکی از هتل‌های کوچه گلکرا هست. این بنا البته به حدی ارزشمند است که اگر بازسازی شود، به یکی از بهترین بوتیک هتل‌های شهر تبدیل می‌شود. همچنین در این کوچه علاوه بر تعدادی مجموعه اقامتی چند حسینی نیز قرار دارد که حسینی‌های مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود. این حسینی یک ورودی دیگر هم از داخل علاقه‌بند حسینی ۵ یا همان کوچه مستشاری دارد.

همچنین حداقل علاقه‌بند حسینی یک تا بن‌بست بعدی، دو خانه دیگر سقف و ستون خورده‌اند که خانه نبش علاقه‌بند حسینی ۱۳ (اکنون به حال خود رها شده است) خانه پدري شهیدانی است که کوچه به نامشان مزین است. سمت دیگر ورودی این فرعی هم منزل آیت... میرزاهمدی نوقانی نفس می‌کشد. این منزل یکی از پایگاه‌های مهم مبارزاتی مردم مشهد در جریان انقلاب اسلامی و مکان اصلی برگزاری جلسات مخفی سران روحانی انقلاب بوده است. پس از این خانه تا فرعی بعدی، هم دو پلاک به چشم می‌خورد که پلاک دوم به حسینی کوچه مستشاری یا علاقه‌بند حسینی ۵ پس از این حسینی قرار گرفته است. در ابتدای کوچه علاوه بر حسینی‌های شهروندی‌ها، خانه تاریخی ثبت ملی شده حسن زاده و ورودی دوم بیمارستان دکتر شاهین‌فر تشخیص‌دادنی است. پس از کوچه مستشاری تا فرعی بعدی یا همان علاقه‌بند حسینی ۷ نیز که روزگاری محل سکونت حاج‌مرضی سادات فاطمی (صدرالقرای کنونی کشور) بوده است، تنها یک پلاک قرار دارد. اگر از این فرعی که درست مقابل ورودی مدرسه علمیه آیت... خویی قرار گرفته است گذر کنیم، تا انتهای کوچه که تابلوی بازارچه سراب ۱۰ بر روی آن نمایانگر است، تنها شش پلاک دیگر وجود دارد. شاخص‌ترین این پلاک‌ها که دارای نمای داخلی کاشی‌کاری و یک ساخت مغازه است، تا حدود یک سال پیش دفتر آیت... جواد‌آملی بود.

از نیشابور، بسیار بیشتری شد و در برخی فصل‌ها تقریباً هیچ قسمت مسیر، از زائران پیاده خالی نبود. هانری زنه دالمانی که حدود سال ۱۲۷۷ خورشیدی از این راه عبور کرده است، می‌نویسد: «جاده‌ای که از مشهد به نیشابور می‌رود، مانند شاهراه‌های اروپا پرجمعیت است. در هر قدم به کاروان‌های بزرگ برمی‌خوریم که به زیارت مشهد می‌روند». این زائران پیاده‌پر شمار، در حالی به‌شوق زیارت گام در جاده مشهور تهران به مشهد می‌گذاشتند که در آن زمان، امنیت در کمترین حد خودش قرار داشت و زائران برای حفظ جان‌شان از ترکمان‌تازی‌ها، به تعبیر دالمانی، «همه از تاجر گرفته تا چوپان، سرتایا مسلح بودند. آرمین وامیری، جاسوس مجارستانی‌الصلح انگلیس که حدود سال ۱۲۵۰ خورشیدی مسیر تهران تا مشهد را طی کرده است، نیز در سفرنامه خود، به‌دلیل حملات بی‌وقفه ترکمانان و غارت دائم اموال زائران در مناطق عباس‌آباد، میاندشت، میمه و شاهرو، اما نواحی را چهار «مزرگله خوقناک» نامیده است. این زائران، بی‌توجه به این خطر‌ها و به عشق زیارت، در این مسیر گام می‌گذاشتند. تعداد زیادی از آن‌ها، همان‌طور که از گزارش خانیکوف برمی‌آید، زائرانی بودند که از شرق سرزمین‌های اسلامی، برای زیارت مکه، مدینه و عتبات رفته بودند و هنگام برگشت، برای کامل کردن ثواب سفر زیارتی، خطر طی طریق در این جاده را به جان می‌خریدند و با شوق و البته پای پیاده، به‌سوی مشهدالرضا رهسپار می‌شدند.